

نظری کوتاه به مازندران و آثار تاریخی آن

آل. منطقه‌ای سرشار از آثار باستانی و ارکان‌نهای نخستین ذوب آهن

نوشته: علاءالدین آذری دمیرچی
دکتر در تاریخ - استادیار دانشگاه اصفهان

مطالعه تاریخ این خطه است از کف خواهیم داد. باید گفت که در طول زمان بعثت حوادث گوناگون و نیز مصائب طبیعی مانند زلزله در مازندران، بسیاری از آثار تاریخی که در مسیر راههای اصلی و در دسترس بوده با خاک یکسان گردیده است و آنچه باقی مانده است اکثراً در نواحی دورافتاده و پرت است، هنوز در نواحی جنوبی این خطه میتوان به آثار و ابنیه‌های برخورد که دور از نظر و دید گذرندگان باقی مانده و زیبایی و اصالت خود را حفظ کرده است.

بیشتر ابنیه باستانی مازندران را برجهایی تشکیل میدهد که دارای گنبد مخروطی است و برخی از آنها بداشتن درها و پنجره‌ها و صندوقچه‌های نفیس چوبی منبت کاری شده قدیمی شهرت دارد. ساختمان این برجها بطور کلی شامل بدنه و دیواره مدور یا کثیرالاضلاع آجری با پی سنگی (با تمام آجری) با گنبد مخروطی یا هرمی ترک‌دار و تزیینات گچی یا آجری در اطراف گنبد و در حد فاصل میان گنبد و بدنه میباشد که برخی از این بناها پنجره‌های مشبک یا شطرنجی دارد.

در کنار اکثر برجها و چسبیده بآنها ایوان و اطاقی با پوشش کلتی یا سفالی و یا اخیراً شیروانی مشاهده میشود که در اختیار متولی بقعه و خانواده‌اش قرار دارد و در آنها تیکه بزرگتر و وسیعتر است مراسم روضه خوانی و سینه زنی در ایام عزاداری برپا میگردد. . . . نگارنده در بازدیدی که از برخی از برجها بعمل آورد مشاهده نمود که گنبد بعضی از آنها از حالت نوک تیزی خارج و تقریباً صاف و هموار و یا بقول تنکابنی‌ها

آنچه در این مقاله مورد نظر است تنها معرفی ابنیه تاریخی مازندران و بحثی مختصر پیرامون تاریخ یکی از کهنترین شهرهای آن خطه یعنی آمل میباشد.

نگارنده قصد ندارد یکایک بناهای کهن مازندران را از نظر وضع ساختمان و قدمت و وسبک بنا و غیره معرفی و در آن باب موشکافی کند، این کاریست عظیم که احتیاج بفرصتی کافی و پژوهشی عمیق و پردامنه دارد و میتوان در این خصوص چندین جلد کتاب بزیور طبع درآورد، امید است که این مسئله در آینده نزدیک صورت تحقق بخود گیرد.

میدانیم که درباره مازندران تاکنون بتفصیل سخن رفته است، ابن اسفندیار و سید ظهیرالدین مرعشی و ده‌ها نویسنده و محقق و وقایع‌نگار ایرانی و بیگانه نوشته‌های ذیقیمتی در خصوص سرزمین مذکور از خود بیادگار گذاشته‌اند، مع هذا درباره ابنیه و آثار قدیمی و کهنسال این خطه تحقیق مستقل و جداگانه‌ای بطور کامل صورت نگرفته و یا کمتر بآن عنایت شده است.

در مازندران آثار کهن و باستانی کم نیست، در شهرهای قدیمی و روستاهای دور و نزدیک درته دره‌های سرسبز و خرم و در دل کوهها و کوهپایه‌ها و جلگه‌های ساحلی در میان مزارع برنج و چای و پنبه میتوانیم تعدادی از آنها را مشاهده کنیم، بسیاری از این بناها بعثت عدم توجه و مراقبت کافی و نیز عوامل مخرب آب و هوایی در شرف نابودی است و اگر مراقبت بعمل نیاید دیری نخواهد پایید که کلیه آنها را که گنجینه‌ای برای

میکنیم که هر يك درخور تحقیق و پژوهشی جداگانه است .
 اکنون همانطوریکه قبلاً اشاره کردیم شمه‌ای در باب تاریخ
 آمل که از شهرهای کهنسال مازندران و مرکز حکومت بسیاری
 از فرمانروایان این خطه بوده است میپردازیم و خاطر نشان
 میسازیم که در این خصوص آنچه بیشتر مورد توجه ماست آثار
 و بناهای تاریخی موجود در این شهر میباشد .

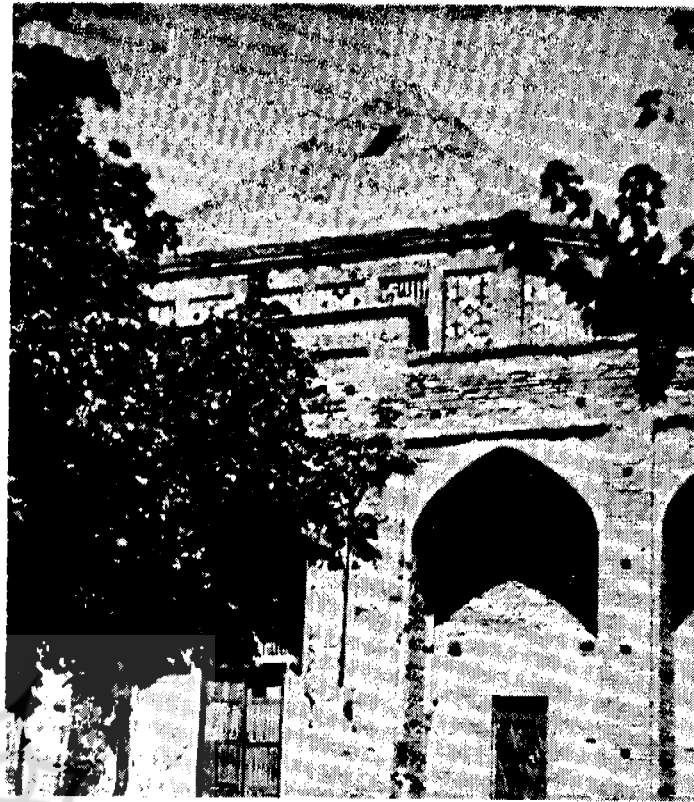
درباره تاریخ آمل در کلیه کتبی که در باب طبرستان یا
 مازندران نگاشته شده است مطالبی مختصر یا مشروح می‌یابیم ،
 تاریخ بنای این شهر هم مانند بسیاری از شهرهای قدیمی ایران
 با افسانه و حکایت همراه است .

« پادشاهی بود فیروز نام که در بلخ میزیست ، وی در
 جستجوی همسری خوب چهره بود که سیمای او را بخواب دیده
 بود ، یکی از فرستادگان وی جهت پیدا کردن دختری که شاه
 مشخصات او را داده بود و دل از وی ربوده ، بطبرستان آمد
 و بروستانی طوسان نام وارد شد و پس از مدتی جستجو دختر
 مورد نظر شهر بار را یافت و با خود به بلخ برد آن دختر بهمسری
 شاه درآمد ، روزی شاه از او پرسشی کرد که جوابی مناسب
 بگوش مازندرانی از وی شنید ، پس شاه برای اینکه پاداشی
 بهمسر مازندرانی خویش دهد از او پرسید چه آرزویی داری
 که تا بر آورده سازم آن زن گفت دوست آن دارم که در زادگاه
 من شهری بسازی در کنار آب هرمز ، خواسته زن مورد قبول
 شهر بار واقع شد و شهری بزرگ ایجاد گردید ولی چون آب
 هرمز بآن نمیرسید بناچار شهری دیگر که استانه سرا نام گرفت
 بر پا شد و نام بعدی آن آمل بود زیرا که دختر مازندرانی آمله
 نام داشت . »

مطالبی که ذکر شد خلاصه داستانی بود که مورخان
 و جغرافی‌نویسان قدیم درباره بنای شهر آمل ذکر کرده‌اند.
 چون بحث در باره کلیه وقایعی که در شهر آمل بوقوع پیوسته است
 از حوصله این مقال خارج است و میتوان آنرا بطور مفصل در
 کتابهای تاریخ مازندران مطالعه کرد لاجرم بشرح موضوعات
 دیگری که جالبتر است میپردازیم : رود هراز از وسط شهر آمل
 میگذرد ، این رود قبل از خروج از کوهسار البرز دره‌ای سرسبز
 و خرم و فراخ را که اطراف آنرا جنگلهای انبوهی احاطه کرده

۱ - نگارنده در سیاسر بروجن واقع در منطقه بختیاری ، در کنار
 کوهی مرتفع چشمه آبی زلال و تعدادی درخت کهنسال چنار را مشاهده
 کرد ولی ظاهراً اثری از بقعه مقدسین نیافت پس از کمی تفحص و جستجو ،
 در شکاف کوه مجاور ، مقداری شمع سوخته و نیمه سوخته و کهنه پارچه‌هایی
 سیاه رنگ و سایر آثاریکه گواهی از ایجاد قریب‌الوقوع زیارتگاهی معتبر
 میداد بچشم دید .

۲ - نام پیشین رودخانه هراز ، آب هرمز یا رود هرمز بوده است .
 ۳ - ر . ک به کتاب مسافرت در ارمنستان و ایران تألیف پ . آمده .
 ژوبر ترجمه علیقلی اعتماد مقدم ص ۳۴۹ .



آرامگاه سید بزرگ آمل ، عکس از نگارنده

(پخت) شده است ، در بسیاری از آنها خصوصاً اطراف و جوانب
 گنبد از خار و علف و درختچه‌های انجیر و آلوچه و کنوس
 (از گیل) پوشیده شده که خود اینها در نابودی تدریجی برجها
 بی‌تأثیر نیستند . تعدادی از این برجها ، آرامگاه امامزاده‌ها
 و یا منسوب بآنهاست . چند برج هم نام عرفا و دراویش را با خود
 دارد ، معمولاً هر جا زیارتگاهی بچشم میخورد ، چشمه آبی
 و درخت کهنسال چناری باید وجود داشته باشد مثل اینست که
 اینها در واقع لازم و ملزوم یکدیگرند . بعضی امامزاده‌ها
 صحیح‌النسب‌اند و برخی دیگر را از این بابت نصیبی نیست .
 در مازندران باختری برجهای مقبره‌ای را نمی‌بینیم شاید علت
 آن این باشد که رطوبت هوا و نزولات آسمانی بیش از مازندران
 شرقی است . فرمانروایان پیشین مازندران هم از ایجاد
 آرامگاههایی بشکل برج جهت خود یا پدران خویش غافل
 نبوده‌اند البته تعداد این مقابر چندان زیاد نیست ، اکثر آنها
 در تندباد حوادث محو و نابود شده ، اثری از خود برجها نگذاشته
 است . مهمترین اینگونه بناها مقبره میر قوام‌الدین مرعشی در
 آمل است که در صفحات بعد وصف آن خواهد آمد . گذشته از
 برجها در مازندران مساجد و پلهای کهنسال و آب انبارهای قدیمی
 با کاشیکاری زیبا و بناهای نیمه ویران شاه‌عباسی را مشاهده



نمای جنوبی بقعه شالمرگند - قریه پائین دزا - حومه ساری

است پشت سر نهاده بسوی آمل رهسپار میگردد . زیبایی آمل به هراز است و گاه ویرانی آن نیز از هراز!؛ در طول تاریخ چندین بار رودخانه هراز بستر خود را تغییر داده و بر اثر طغیان آب قسمتی از شهر را بکلی نابود ساخته است .

«ژوبر» سفیر اعزامی ناپلئون بدربار فتحعلیشاه از آمل دیدن کرده و مطالبی درباره رودخانه هراز و تمرکز کارگاههای ذوب آهن در کرانه های آن در کتاب خود ذکر کرده است و معلوم میدارد که ایرانیان دیر زمانی است که سنگ آهن را در کوره های پر حرارت خود ذوب کرده و آهن مرغوب بدست می آورده اند :

« شهر آمل بر روی کرانه چپ يك رودخانه قابل توجهی بنام هراز که آبش تند است بنا شده است ، این رودخانه اخیراً يك پل خیلی زیبا را که ده چشمه داشته و با سنگ و آجر ساخته شده بود از جا کنده و با خود برده است ، اکنون باید کمی پائین تر با گذار گذشت ، آب آن بدوشاخه بخش میشود و بر روی سنگریزه ها و تخته سنگهای گنده روان است . بر روی کرانه چپ آثار يك حصار آجری که تا حدی منظم است بجا مانده و این حصار ، شهر را از این پهلو می بسته است ، اکنون از چندین مدخل میتوان داخل شهر شد . در پهلو ی غربی هیچگونه دیواری و حصاری نیست ، خانه ها در میان درختها در يك محوطه فراخی پراکنده بچشم میخورند ، شماره خانه های آنجا تقریباً سه هزار تا است ولی بخش بزرگی از آنها در آن موقع خالی بود زیرا که بزرگان آنجا و بسیاری دهقانان به کوهستانها رفته و هنوز برنگشته بودند . خیلی کارگر آهنکار در آمل بچشم میخورد ، در پیرامون قلمرو آنجاست که معدن های مازندران را استخراج میکنند . « در اینجا ژوبر بوجود کارگاههای ذوب آهن در اطراف هراز و نور اشاره مینماید : « بیشتر کوره ها و کارگاههای آهنگری در قلمرو نور و بر روی رود هراز و شعبه هایش گردهم آمده اند ، اکنون ببینیم که این استخراج عبارت از چیست : دو خانواده باهم در جنگلی که برودخانه دسترسی داشته باشد مستقر میشوند آنها يك تنور خیلی زمخت میسازند و به آن يك دم آهنگری نصب مینمایند و در همان هنگام بکار ساختن يك منبع بزرگ سفالی مشغولند که در آنجا ذغال لازم برای کار خود را درست کنند ، هنگامیکه این ساختمان خشک شد همه بگرد آورند سنگهاییکه بنظر می آید دارای آهن هستند و در جریان آب بچشم میخورد میپردازند ، آنگاه آنها را همین گونه آب میکنند ، در هر بار ریخته گری تقریباً شانزده کنتال سنگ بکار میرود و يك کنتال آهن از آن بدست می آید که میگویند خیلی خوب است ، این عمل ۲۴ ساعت طول میکشد و آهن به تکه هایی که سنگینی آن به شش تا هفت لیور میرسد از هم جدا میشود و تا اندازه ای شبیه بيك محور کوچک چرخ است ولی زمخت و پراز سوراخ میباشد در همین حالت آنرا کنتالی تقریباً پانزده فرانک میفروشند ، مردم این شهرستان به این کار از آخر اکتبر تا ماه مه میپردازند ،

مرا مطمئن کرده اند که تعداد این کوره های آهنگری بیش از سی تا نیست ، می بینیم که این محصولات بهیچوجه کافی برای نیازمندیهای ایران و بین النهرین نیست ، روس ها کمبود آنرا پر میکنند ، با این همه آهن های مازندران را به بغداد ، موصل و تا دمشق میبرند . من نمیدانم که اینکار برای آنست که جنس آهن آنجا برای برخی کارها مناسبتر است یا آنکه بهای آن از مال اروپا ارزاتر تمام میشود ، با اینکه اینهمه راه میان آنجا و دریای خزر است يك بازرگان بمن گفت که او هر کنتال را تقریباً شصت فرانک در موصل میفروشد ، من ندیدم که آنها گلوله توپ بسازند . »^۴

مرحوم صنیع الدوله در کتاب مرآت البلدان از قدمت شهر آمل سخن میگوید و صفحاتی از کتاب خود را بدینکار اختصاص میدهد ولی چون گفته شد که قصد نداریم در همه موارد تاریخ

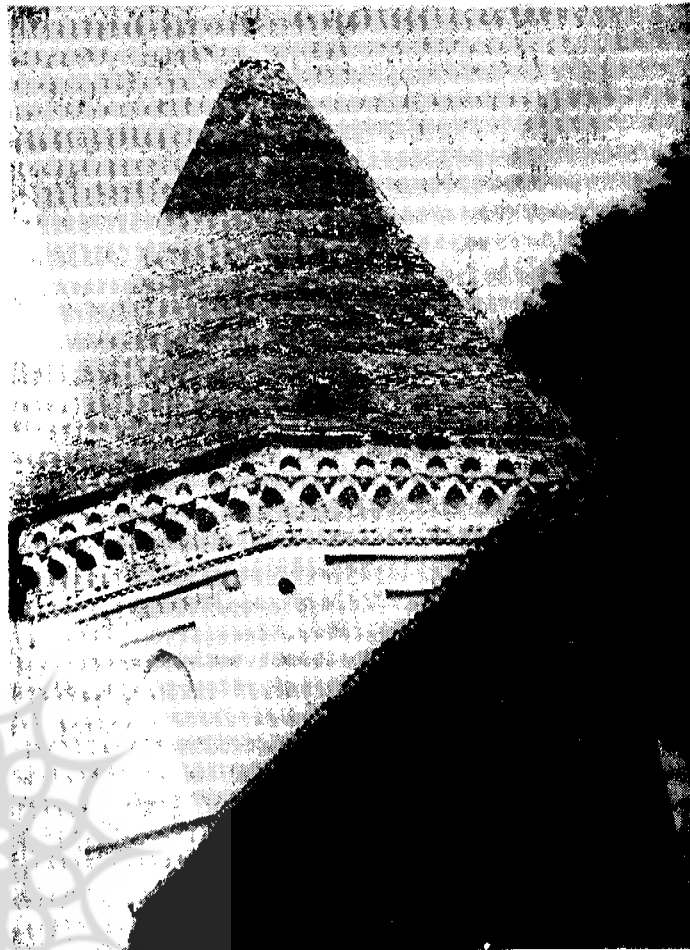
بهترین شهری از شهرهای ایران نمود . . . اینک از آمل تا دارالخلافة باهره همه جا راه طور است که دو عراده و کالسکه که بخوانند از پهلوی یکدیگر عبور کنند بدون تصادف و مزاحمت یکدیگر از هم میگذرند ، در هیچ نقطه و موضع از برای عابرین زحمتی نیست ، بعد آمل از دارالخلافة باهره تقریباً بیست و پنج فرسخ بخط مستقیم و از راه معروف متداول بیست و هفت فرسخ است .^۴

« بنای آمل مربوط به مهدی بسیار باستانی است ، مؤلفین مسلمان ، آنرا تا عهدی افسانه آمیز بعقب میبرند ، در هر حال شهر جدید بر روی خرابه های شهر قدیمتر دیگری برپا شده که او نیز بر اثر آبها و جنگها ویران بوده و دوباره ساخته شده است . وقتی در اطراف شهر میگردیم در هر قدم بقایای شهر قبلی و بناهایی که خود ویران شده اند می بینیم ، بعضی از مهمترین آنها هنوز پایدارند .

در غرب شهر فعلی ، بستری که در آن هزار رود زمانی شهری را که امروز ویران است معمور میداشته است مشاهده میشود یک جریان آب جدید در میان همین خرابه ها بستر خود را حفر کرده و در کناره های مرتفع رود سینه دیوارها ، ترعه و جویهای طاق زده شده دیده میشوند ، در شرق شهر جدید در پائین دست پل زمینهای وسیعی وجود دارند که سابقاً پوشیده از ساختمانها بوده و اینک صنعتکاران در آن حفاری و کندوکاو کرده خاکها را جهت جمع آوری مواد فلزی گمشده میبویند ، سیاحتی از این کارگاهها مفید است در اینجا بناهای خانه هایی با بنا کاربهای بسیار دقیق و ظریف با آهک ، سنگفرشهای کوچک ، تنوری که در آن نان می پخته اند ، سنگهای آسیا ، و مقدار عظیمی از خرده ریزه های مترکم در رسوبات رودخانه دیده میشود . غالب اوقات در این ویرانه ها جواهرات و اشیاء برنجی پیدا میکنند (من توانستم چند تا از آنها را برای خود تهیه کنم) اینجا و آنجا اسکلت آدمها و حیوانات ، مدفون درین خرابه ها بسیار زیاد است ، و این خود دلیل بر آنست که سیل ناگهان واقع شده ، هر چیز را در مسیر خود خراب کرده و حتی برای سکنه فرصت فرار باقی نگذاشته است .^۵

آنچه گذشت مطالبی بود که هشتاد و چند سال قبل ژاک - دومرگان فرانسوی درباره آمل و رود هراز و طغیان خانمان - برانداز آن نگاشته است ، ایشان هم مانند همه جهانگردان و سیاحتیانیکه در دوران قاجاریه بایران آمده اند دست خالی باز نگشته و علاوه بر تاراج آثار تاریخی مکشوفه درشوش سهم و حصه

۴ - ر. ک به کتاب مرآت البلدان ج اول تألیف محمد حسنخان صنیع الدوله - ۱۲۹۴ هجری .
۵ - مطالعات جغرافیائی ج ۱ تألیف ژاک دومرگان ترجمه و توضیح دکتر کاظم ودیعی ص ۲۲۱ تا ۲۲۳ .



بنه امامزاده عیسی بن کاظم (ع) واقع در قریه خرمیان حومه ساری

شهر مذکور مطالبی عنوان نمائیم از اینرو بذکر قسمتی از نوشته های ایشان در اینجا اکتفا مینمائیم :

« درحوالی آمل معدن آهنی است بسیار مفید و آهن زیاد در سابق ایام از او عمل می آورده اند . شهر آمل خیلی پر جمعیت است بخصوص در فصل زمستان ، شش ماه از سال را اهالی این شهر بدره لاریجان بلکه بدماوند و فیروزکوه به بیلاق میروند و شش ماه دیگر را در آمل میباشند دو بیست سال قبل اگر سمت غربی رودخانه هراز آباد بوده در اینوقت سمت شرقی نیز آباد است ، پل طولانی کم عرضی از سنگ و آجر بر روی این رودخانه عبارت از ده طاق بنا شده ، نسبت این بنا را با عراب میدهند ولی از ظاهر وضع چنان مینماید که قدیمتر از فتح اسلام بنا شده باشد . از دوسه نفر شنیدم که خرابه های زیاد که باصطلاح خودشان آثار گبری مینامند درحوالی شهر آمل زیاد است ، شهر آمل بقدری مستعد است که میتوان با جزئی توجه و خرجی اورا

گرانبهائی هم از حفريات غير قانونی آمل بدست آورده اند .
ه . ل . رابینو کنسول دولت بریتانیا در رشت (از سال ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۱ شمسی) در کتاب خود تحت عنوان «مازندران و استرآباد» درباره آمل مینویسد :

«آمل از زلزله و طغیانهای رودخانه هراز صدمات بسیار دیده ، هر وقت مردم آجر لازم دارند هر نقطه‌ای را که بمق چند پا میکنند آنچه بخواهند آجر بدست می‌آورند . اندازه بعضی از این آجرها ۱۶ اینچ در ۱۶ اینچ و ضخامت سه اینچ است و به آجرهای گبری موسومند . آمل شهری باشکوه است ، چهار دروازه دارد هر چند دری وجود ندارد ، آنها عبارتند از دروازه تهران یا لاریجان^۱ ، دروازه بارفروش (بابل کنونی که در قدیم مامطیر و بعد بارفروشته نام داشت) ، دروازه تللیکه سر ، دروازه نور . شهر آمل دارای دوهزارخانه و در کنار رودخانه هراز واقع است و دوماه نیز در ساحل شرقی هراز هست که بوسیله پلی بشهر مربوط میشوند ، این پل دوازده طاق دارد و به پل دوازده پله موسوم است .^۲»

در آمل و سایر نواحی استان مازندران تاکنون تحقیقات باستانشناسی بسیار کم صورت گرفته مهذا از کاوشهای گذشته آثاری از مدنیت شکوفان این منطقه بدست آمده است ، در این مورد از کتباب راهنمای صنایع اسلامی استعانت می‌جوئیم : « سفال نقاشی شده متعلق بدوره سامانی در نواحی غربی ایران و بیشتر در آمل و ایالت مازندران پیدا شده است ، تزیینات چند رنگ آنها شامل شکل پرندگان و برگ و نوشته بخط کوفی و شکل ترنجی مدور در وسط برنگ ارغوانی و قرمز و سبز زیتونی است .^۳» در جای دیگر به ظروف زیبای مکتوفه این خطه اشاره مینماید : « یک نوع دیگر از ظروف گبری که طرحهای بریده روی آنها با نقطه و خط سبز و اشکال هندسی توأم است از شمال ایران یعنی از آمل در ایالت مازندران بدست آمده است . سه قطعه از این ظروف در موزه متروپولیتن وجود دارد ، این ظروف بردونوع هستند: یکنوع دارای اشکال هندسی و تزیینات نقطه‌ای یا لکه‌دار است و نوع دیگر اشکال پرنده و حیوان بطرح عجیب روی آنها نقش شده است ، تاریخ ساخت آنها نیز مختلف است در بعضی از تعبیرات مانند شکل پرنده پیروی از اسلوب ساسانی است در حالی که تعبیرات دیگر در ظروف گبری و سایر ظروف دوره عباسی قرن هشتم و نهم (میلادی) دیده میشود ، بسیاری از ظروف آمل از لحاظ شکل و ساخت و طرز پایه و غیره حاکی از تکامل این صنعت است و باید آنها را متعلق بدوره متأخرتری مثلاً قرن دهم دانست ، در بعضی موارد بخصوص وقتی طرح تزیینی ظروف دارای اسلوب سلجوقی است تاریخ آنها باید قرن یازدهم و دوازدهم بشمار آورد .^۴»

بالاخره در کتاب مازندران تألیف آقای عباس شایان هم بکشف ظروف قدیمی از کاشیهای اصل و مصور و ظروف گلی

و لعابی منقوش گرانبها اشاره شده است ، نویسنده مذکور یاد آور میشود که در سنوات گذشته کاوش زمینها در آمل برای دلالت و بیگانگان آزاد بوده و دستجات زیادی از عتیقه فروشان کلیمی و دیگران بکاوش زمینهای داخل شهر و اطراف مشغول بوده‌اند ، اینان ظروف و مسکوکات طلا و نقره قدیمی را از دل خاک بیرون آورده و حتی در اراضی داخل شهر بوسیله خاکشویی ذرات طلا بدست می‌آورده‌اند ولی بعداً این قبیل کاوشها و خاکشوییها ممنوع گردید.^{۱۰}

اینک بطور اختصار شمه‌ای درباره بناهای تاریخی موجود در آمل بیان مینمائیم :

مهمترین ابنیه قدیمی آمل عبارتست از بقعه میربزرگ ، بقعه امامزاده ابراهیم ، (گنبد ناصرالحق و شمس طبری دویبای تاریخی مجاور هم) ، بقعه میرحیدر یا سه تن یا سه سید ، گنبد آتشکده ، پل دوازده چشمه . در کتاب رابینو درباره مسجد جامع آمل^{۱۱} و گنبد کبود مطالبی ذکر شده است و ما اکنون درباره بقعه یا مشهد میربزرگ و بقعه امامزاده ابراهیم صحبت میکنیم : بقعه میرقوام‌الدین مرعشی - قبلاً گفتیم که در مازندران آرامگاهها و مقابر امرا و سلاطین محلی هنوز کمابیش موجود است که از آن میان معظم تر و باشکوهتر بقعه میربزرگ در داخل شهر آمل است . میرقوام‌الدین مرعشی مؤسس و بنیانگذار سلسله‌ای از سادات بود که از سال ۷۶۰ تا در حدود ۹۸۹ هجری قمری در مازندران حکومت داشتند ، بقعه مزبور که هم‌اکنون در دست تعمیر است در زمان شاه‌عباس کبیر ساخته شده و قسمتی از کاشیها و تزیینات خود را حفظ کرده است ، بنای اصلی بقعه در زمان تیمور لنگ ویران گردید و اقدام شاه صفوی در تجدید بنای آن بعلت نسبت و قرابتی بود که از جانب مادر با سادات مرعشی مازندران داشت ، ساختمان بقعه آجری و دارای کاشیهای جالب برنگهای آبی و سفید و نارنجی و کبود میباشد ، صندوق اصلی مقبره را در سالهای گذشته بسرقت برده‌اند . ازاره داخل صحن دارای کاشیهای گل‌وبته‌دار تا ارتفاع تقریباً دومتر است .

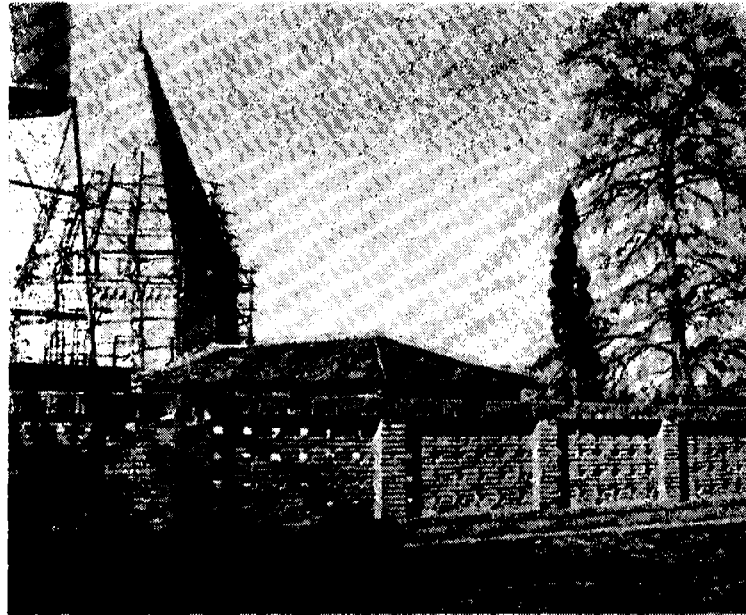
مداخل بنا دارای کاشیهای زیبا بالوان مختلف است ، در کتاب دومرگان نقشه و سه تصویر از بقعه میربزرگ موجود است . در یکی از تصاویر در اطراف مقبره صحرائی بنظر میرسد در حالیکه امروزه تمام اطراف آنرا منازل مردم احاطه کرده است ، در تصویر دیگر استخر بزرگی در جلوی بقعه دیده میشود . که اکنون از وسعت آن بی‌اندازه کاسته شده است . دومرگان درباره این بنا نوشته است : « جالب‌ترین بناهای تاریخی آمل بدون تردید مسجد میربزرگ میباشد ، این مسجد در غرب بازار فعلی واقع شده ، از آجر پخته با پوشش درونی و برونی از کاشی آبی‌رنگ (مینائی) ساخته شده است . نما مرکب از یک در بزرگ بیضی ، با دو در کوچکتر در سمت چپ و راست ، جملگی آنها با یک کتیبه دراز از کاشیهای مینائی رنگ و بخط عربی کوفی

فعلاً فقط چهارچوبه آن باقیست ، برای چهارچوبه اشعاری
از محتشم منقوش است که با خطی عالی نوشته شده و حروف آنرا
مذهب کرده اند و زمینه آن برنگ آبی تند بوده است . « ۱۳

بقعه امامزاده ابراهیم - ساختمان این امامزاده به شیوه
برج ساخته شده و دارای بدنه آجری و گنبد مخروطی شکل
میباشد ، در این بنا چند کتیبه بر روی در و صندوق چوبین آن
بخط رقاع حک شده است ، تاریخ سال ۹۲۵ هجری در روی
صندوق مرقد خوانده میشود ، اهمیت این بقعه تاریخی گذشته
از نظر معماری و شیوه ساختمانی بعلاوه آثار نفیس چوبی
آن از قبیل در و صندوق است ، خوشبختانه کتیبه های این بنا حفظ
شده است طبق مفاد کتیبه ، این بقعه متعلق به ابو محمد ابراهیم
از فرزندان حضرت امام موسی کاظم (ع) میباشد^{۱۴} .

صورت کتیبه در امامزاده ابراهیم در آمل بدین شرح است:
« قفل درب الکعبه بگشا یا مفتوح الابواب هذا الروضة
المقدسه انهم الابرار العالم ابو محمد ابراهیم الملقب بالاطهر
والكاظم واخيه المعالی یحیی واهما اللهم صل علی ابی وعلی
ابو محمد ابراهیم ابن امام الحمام الموسی حجة الله بن امام ابو جعفر
محمد التقی بن الامام الغریب المدفون بارض طوس الامام علی بن
موسی الرضا فی شهر شوال ۹۲۵ . »^{۱۵}

بقعه امامزاده ابراهیم در محوطه وسیع و مشجری قرار
دارد ، درختان کهنسال آن از قدمت بقعه خبر میدهند ، برای
وصول بآن باید از کوچه های تنگ و باریک ولی تمیز و اسفالته



بقعه امامزاده عباس واقع در ۴ کیلومتری ساری
« این بنا از لحاظ دارا بودن گنبد مخروطی شکل آجری و شیوه ساختمانی
دارای اهمیت تاریخی و صنعتی می باشد . در روی صندوق چوبی منبت آن
تاریخ سال ۸۹۷ هجری حک شده است . در این بقعه سه تن از امامزادگان
بنام امامزاده عباس و محمد و حسن مدفون می باشند - نجار صندوق این
بقعه طبق امضاء آن : شمس الدین بنا ابن احمد نجار ساری بوده است «
» نقل از کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۱۳۹ «

ترتیب شده اند . اضلاع طرفین که فقط یکی از آنها خوب محفوظ
مانده تزئینات رنگارنگ ندارند ، تنها زوایای آنها کاشی
میناکاری است ، در سالن بزرگ که مربع است و چهار ضلع آن
توسط چهار در منفذ یافته است دیوارها مزین بکاشیهای زمینه
زرد با حاشیه سیاه خاکستری با ارتفاع ۲۴۰ سانتی متری میباشدند
در بالا تزئینات زرد و سیاه قرار گرفته ، سپس در زیر قسمت مقعر
گنبد ، یک کتیبه عربی پهن که با سفید روی آبی نوشته شده ،
قرار دارد . میگویند گنبد که تقریباً جمله تعمیر واز نو ساخته
شده ، سابقاً از خارج پوشیده از ورقه های نقره بوده است . در
چپ و راست سالن بزرگ ، اطاقهای کوچکتر از آن مزین
بکاشیهای زرد همراه با گلهای ظریف قرار دارند . اطاقهای
زیر امروز در وضع بسیار بدی اند . سابقاً بعضی از آنها بسیار
مجللانه مزین به مینا بوده است . اطاق کوچک مرکزی بیشتر
از بسیاری از آنها دقت و مواظبت میشده است . «^{۱۴}

رأینو نیز شرح جامعی درباره بقعه مذکور داده است که
مختصراً بآن اشاره میکنیم : « بقعه آن بزرگوار زیبا و پرهیبت
است ، قبر در وسط واقع و از صندوق چوبی پوشیده شده است که

- ۶ - ناحیه کوهستانی و خوش آب و هوای لاریجان دارای تاریخی
کهن و در کتب قدیم طبرستان بگترات از آن سخن رفته است . . .
- ۷ - مازندران و استرآباد تألیف رابینو ترجمه غ . وحید
مازندرانی ص ۶۰ و ۶۵ . . .
- ۸ - راهنمای صنایع اسلامی دکتر س - م - دیماند ترجمه دکتر
عبدالله فریار - بنگاه ترجمه و نشر کتاب ص ۱۶۴ .
- ۹ - ایضاً کتاب راهنمای صنایع اسلامی ص ۱۶۱ .
- ۱۰ - جغرافیای تاریخی و اقتصادی ج ۲ ص ۱۲۲ .
- ۱۱ - بگفته ابن اسفندیار (تاریخ طبرستان ص ۷۰ تا ۷۲) در ایام
هارون الرشید سه ساع و سبعین مائه آمل دارای مسجد جامع بوده است
مسجد جامع شهر ساری (ساریه ، ساریه) را در زمان همین خلیفه ،
یحیی بن یحیی امیر ، بنیاد نهاد و مازیار بن قارن آنرا با تمام رساند -
مسجد جامع بابل (مامطیر) راهم مازیار بنیاد نهاده است - شهر
چالوس (شالوس - سالوس) هم بگفته مقدسی دارای مسجد جامعی بوده
که از سنگ ساخته شده بود .
- ۱۲ - مطالعات جغرافیائی ص ۲۲۴ .
- ۱۳ - رابینو ص ۶۲ .
- ۱۴ - ر . ک به کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی
ایران ص ۱۳۴ .
- ۱۵ - رابینو ص ۲۲۹ - صورت کتیبه های دیگر این امامزاده را
هم رابینو نقل کرده است .

آمل که در طرفین آن خانه‌های قدیمی با دیوارهای گچبری شده (با تصاویر گل و بته و پرند) وجود دارد گذشت. بقعه مزبور با گنبد آبی آسمانی که در سالهای پیش بوسیله شخص خیری تعمیر شده است از دور خودنمایی مینماید، محوطه امامزاده اکنون قبرستان عمومی شهر است

با ذکر چند دوبیتی آملی که بیشتر آنها در وصف کیجا (دختر) است باین مقاله پایان خوشی میدهیم :

کیجا جان آه من تیره^۱ بئیره^۲

مرکب روی کاغذ بنه^۳ نئیره^۴

دختر جان آه من ترا بگیره

مرکب (عقد شما) روی کاغذ رنگ نگیره

هر که خوانه^۵ تره بغل بئیره

بهار تب هاکنه^۶ پائیز بمیره !؟

هر که بخواد ترا در آغوش بگیرد

در بهار تب کند و در فصل پائیز بمیرد !



کیجا را بدیمه^۷ انار کله

انار بخورده وا دیم^۸ بیه پاره

دختر را در باغ انار دیدم

انار خورده بود و چهره اش از (تیغ انار) پاره شده بود

برون^۹ و بئوین^{۱۰} ونه نئاره^{۱۱}

عروس هاکنه و اها^{۱۲} ده^{۱۳} اماره^{۱۴}

بروید بماندرش بگوئید اورا عروس کند و بما بدهد!



نما شته رسیریا^{۱۴} الله^{۱۵} بزو^{۱۶} پر

کیجا بینج^{۱۷} بئیتیه^{۱۸} بورده^{۱۹} دنگ سر^{۲۰}

هنگام عصر عقاب بیرواز درآمد

در همان موقع دختر شالی را با آسیای دستی برد

پلنگ نر بشووم^{۲۱} ریسرم^{۲۲} راه سر

دوتا خیش^{۲۳} ماد^{۲۴} اسپه^{۲۵} دل سر

میخواهم پلنگ نر بشوم و سر راهش را بگیرم

دوبوسه (ماچ) از سینه سفیدش بردارم !



کیجا جان من تیه سره پیش سبزومه^{۲۶}

میره^{۲۷} وجین هاکن تیه خربزومه^{۲۸}

دختر جان من سبزی حیاط تو هستم

منو وجین بکن چون خربزه تو هستم

آتا^{۲۹} بشکو^{۳۰} بخیر^{۳۱} چی خوشمزومه^{۳۲}
هیچکس ره نئومین^{۳۳} تیه نوم زومه^{۳۴}

یکی را بشکن و بخور بین چقدر خوشمزومه هستم

بهیچکس مگو که من نامزد تو هستم !

۱- تره - ترا

۲- بئیره - بگیره

۳- بنه - بگذار

۴- نئیره - نگیرد

۵- خوانه - میخواهد

۶- هاکنه - بکند

۷- بدیمه - دیدم

۸- دیم - چهره ، صورت

۹- برون - بروید

۱۰- بئوین - بگوئید

۱۱- نئاره - نه‌اش

۱۲- هاده - بدهد

۱۳- اماره - بما

۱۴- نماشته رسیریا - هنگام عصر

۱۵- اله - عقاب ، باز

۱۶- بزو - زد

۱۷- بینج - شالی ، برنج با پوست که مردم تنکابن (شسوار)

بیج گویند Bindj

۱۸- بئیتیه - گرفت

۱۹- بورده - برد

۲۰- دنگ سر - آسیای دستی

۲۱- بشووم - بشوم

۲۲- بیرم - بگیرم

۲۳- خیش - ماچ ، بوسه

۲۴- هادم - بدهم

۲۵- اسپه - سفید ، سپید

۲۶- سبزومه - سبزی ، سرسبزی

۲۷- مره - مرا

۲۸- خربزومه (خربوزه)

۲۹- آتا - یکی

۳۰- بشکو - بشکن

۳۱- بخر - بخور

۳۲- خوشمزومه - خوشمزومه

۳۳- هیچکس ره نئومین - بهیچکس مگو که من

۳۴- تیه نوم زومه - نامزد تو هستم

★ از آقایان سیدبهاء‌الدین علوی اندراجمی و هوشنگ کمانگری کارمندان وزارت فرهنگ و هنر دساری و آمل و همچنین آقای صدرالله کاردان دانشجوی آملی دانشگاه اصفهان که در تهیه این مقاله مرا یاری کرده‌اند سپاسگزارم .